

اوج گیری تمدن اسلامی

ویژہ میانسال

ارائہ محتوا جهت استفادہ
مربیان، ائمہ جماعت و والدین محترم
www.SalehinZn.ir



فهرست

مقدمه.....	۳
مفهوم شناسی.....	۵
تعریف تمدن.....	۶
تعریف تمدن اسلامی.....	۷
عوامل شکوفایی تمدن اسلامی.....	۹
نهادهای سیاسی، اجتماعی و علمی تمدن اسلامی.....	۱۳
منابع و موافذ.....	۱۸



مقدمه

از سپیده دم تاریخ، تمدن برای نخستین بار در چین و دره رودهای دجله و فرات، سند و نیل پدیدار شد. از میان مردمی که در آن دره ها ساکن بودند بیش از همه در درجه اول از مطالبی که در نوشته های تاریخنگاران یونانی یافت می شود درباره مردم مصر و بابل است. که نمونه بارز آن در فرمان های فرمانروایان بابلی متعلق به ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است. واحدهای ثابت اندازه گیری فیزیک از سوی پادشاه تعیین شده بود. مبادله، آشنایی با علم (انتزاعی) - (هندسه) نام گذاری هفت روز بر اساس نام خورشید و ماه و پنج سیاره شناخته شده دیگر در مصر نیز تفاوت خاصی در نگرشی دینی دیده می شود. نیروهای الهی در مصر تا اندازه ای زیادی دوست بشر، مراقب او و آماده محافظت و راهنمای او در زندگی و مرگ و در دنیایی دیگر بودند. اختراع چرخ و کشتی، دانش حساب و پزشکی نیز در پیشرفت تمدن مصری تاثیر داشته است. در دره رود سند در موهنجو دارو، ها راپا و نقاط دیگر هند فرهنگ وجود داشت. کرت نیز از مصر تاثیر گرفت و مهد تمدن یونان گردید. تمدن فعلی جهان حاصل کوشش ملل مختلف جهان در طول تاریخ است با وجود آنکه تمدن معاصر ویژگی های کاملاً متفاوت از تمدن های دیگر ملل در طول تاریخ دارد، اما در واقع ترکیبی از تمدن های پیشین است که مسلماً سهم اسلام در به وجود آمدن این تمدن جدید و توسعه آن کمتر از سهم عوامل دیگر نیست.

تمدن اسلامی با تولد اولین حکومت اسلامی در مدینه پیامبر صلی الله علیه و آله شکل گرفت و با نهضتی علمی و بی مانند، به محوریت قرآن و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله به اوج شکوفایی رسید. دین اسلام، خالق تمدنی عظیم و همه جانبه شد و ملت های گوناگون را به یکدیگر پیوند داد و این سرمایه را در کمک به علم و تمدن بشری هزینه کرد. با درنگ در تاریخ، به ارزش عظیم و غرور آمیز خدمات اسلام به تمدن بشری و دیون بسیار سنگین اروپای امروز به تمدن اسلامی پی می بریم.

در واقع، قرآن به صورتی شگفت به تجربه و عینیت دعوت می‌کند، حتی سوگندهای خویش را با نام اشیای محسوس و طبیعی یاد می‌کند. بی شک تمدن اسلامی که حداقل از پایان فتوح مسلمین تا ظهور مغول، قلمرو اسلام را از لحاظ نظم و انضباط اخلاقی، برتری سطح زندگی، سعه صدر و اجتناب از تعصب، توسعه و ترقی علم و ادب، طی قرن های دراز پیشاهنگ تمام دنیای متمدن و مربی فرهنگ عالم انسانیت قرار دارد، یک دوره درخشان از تمدن انسانی است و آنچه فرهنگ و تمدن جهان امروز بدان مدیون است، اگر از دینی که یونان دارد بیشتر نباشد کمتر نیست.

با این تفاوت که فرهنگ اسلامی هنوز در دنیای حاضر تاثیر معنوی دارد و به جذبه و معنویت آن نقصان راه ندارد. هر چند که سهم اقوام گوناگون در توسعه این تمدن را نباید نادیده گرفت اما آنچه این مایه ترقیات علمی و پیشرفت های مادی را برای مسلمین میسر ساخت در حقیقت همان اسلام بود که با تشویق مسلمین به علم و ترویج نشاط حیاتی، روح معاضدت را جانشین تعصبات دنیای باستانی کرد؛ و در مقابل رهبانیت کلیسا که ترک و انزوا را توصیه می کرد با توصیه مسلمین به «راه وسط» توسعه و تکامل صنعت و علم انسانی را تسهیل کرد. در دنیایی که اسیر تبعیضات دینی و قومی بود، اسلام نفحه تازه ای دمید. در دین اسلام و در فرهنگ قرآن، وجوب طلب علم و تحصیل شناخت و آگاهی گوشزد شد و به صورت تکلیف شرعی و دینی طرح گردید.

از این رو، تمدن اسلامی به لحاظ پیشینه با ۱۴ قرن حیات از ریشه دارترین و تاثیرگذارترین تمدنهای انسانی به شمار می آید، و از جهت دامنه گسترش آن باید این تمدن را از گسترده ترین تمدنها به حساب آورد. آنچه امروزه به عنوان تمدن اسلامی می شناسیم در واقع فرآیند و محصول چهارده قرن حضور مستمر و فعال «اسلام» در عرصه زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان می باشد. چهارده قرن است که مسلمانان با اسلام زندگی می کنند یعنی سعی نموده اند تا دیدگاهشان، راجع به جهان هستی و جهان آفرین

نیایشهایشان آداب معاشرت و معاملاتشان، ازدواج و زاد و ولدشان، جشنها و ماتمهایشان و... بر پایه هایی از اعتقادات و دستورات اسلامی تنظیم نمایند.

سرگذشت پیدایش این تمدن و فرهنگ، سرعت پیشرفت و توسعه، عظمت و کمال، گستردگی دامنه و شرکت طبقات مختلف اجتماع و ملل گوناگون اموری هستند که اعجابها را در مورد تمدن اسلامی سخت برانگیخته است.

بر همین اساس است که دکتر عبدالحسین زرین کوب در پژوهشی پیرامون تمدن اسلامی از سرگذشت پیدایش این فرهنگ و عظمت و کمال آن به عنوان «معجزه اسلام» نام می برد که تعبیر زیبا و بجایی است.

آری مسلمانان با تکیه بر معارف دین، دوران اعجاب آوری از اعتلا و شکوفایی را پشت سر گذاشتند و تمدنی بنا کردند که چندین قرن، مشعل دار تمدن بشری بود. اتفاقا با بررسی تاریخ تمدن اسلامی روشن می شود که اصلی ترین دلیل افول این تمدن نیز بر همین حقیقت تاکید دارد. چراکه اندیشمندان اضمحلال تمدن با شکوه اسلامی را ناشی از دوری از روح و حقیقت اسلام، می دانند؛ پایگاهی که کمرنگ شدن حضور و نفوذ آن، تمدن اسلام را در سرایشی سقوط افکند و حکایت غمبار انحطاط آن را، قصه دوست و دشمن قرار داد.

البته به دلیل جایگاه بحث و لزوم پیروی از چارچوب و عنوان مقاله که «لوح گیری تمدن اسلام» است، جایی برای پرداختن به علل و عوامل افول باقی نمی گذارد و تبیین آن مجالی دیگر می طلبد. از این رو در ادامه سعی خواهد شد به بررسی ماهیت و ابعاد تمدن اسلامی و عوامل پیدایی و شکوفایی آن پرداخته شود.

مفهوم شناسی

قبل از تشریح مفهوم تمدن اسلامی لازم است به عنوان بحث مقدماتی اشاره ای به حقیقت تمدن و شناخت ماهیت آن داشته باشیم.

تعریف تمدن

واژه تمدن معادل واژه انگلیسی civilization به معنی شهر نشینی و متمدن بودن است. تمدن را می توان به شکل کلی آن، عبارت از نظامی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان پیدا می کند. ظهور تمدن هنگامی امکان پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد؛ چه فقط هنگام از بین رفتن ترس است که کنجکاوی و احتیاج به ابداع و اختراع به کار می افتد و انسان خود را تسلیم غریزه ای می کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل زندگی سوق می دهد.

وقتی فرهنگ عمومی به حد معینی برسد، فکر کشاورزی تولید می شود و تنها تمدن است که انسان را به فکر ایجاد مدینه و شهر (city) می اندازد.

نژاد در ایجاد تمدن تاثیری ندارد، تمدن در جاهای مختلف یا در نزد ملت هایی که رنگهای گو ناگون دارند آشکار می شود خواه در پکن باشد خواه در دهلی، ممفیس یا بابل؛ نژاد تمدن را نمی سازد بلکه تمدن است که ملت ها را خلق می کند زیرا اوضاع و احوال جغرافیایی و اقتصادی فرهنگی را به وجود می آورد.

تاثیری که نژاد در تمدن دارد این است که پیدایش آن غالباً پس از زمانی است که ریشه های نژادی مختلف با یکدیگر می آمیزند و به تدرج ملتی که به صورت نسبی حالت تجانسی دارد از آن میان بیرون می آید. کلمه civilization که از کلمه لاتینی civilis که متعلق به کلمه civis (شهروند) مشتق شده و کلمه نسبتاً جدیدی است.

تمدن باعث پیدایش اقتصاد، حکومت و سیاست، اخلاق، دین و ادبیات و تاریخ می شود. تمدن های مختلف به منزله نسل های متوالی روح نژادی به شمار می روند همانگونه که روابط خانوادگی و پس از آن خط نویسی سبب اتصال نسل ها به یکدیگر می شود و به آن وسیله میراث پدران به فرزندان می رسد، همانگونه که چاپ و تجارت و تمام وسایل -

ارتباط، تمدن های مختلف را به یکدیگر اتصال می دهد و از فرهنگ کنونی ما آنچه را که مفید است برای فرهنگ های آینده نگاه می دارد.

تعریف تمدن اسلامی

تمدن اسلامی یا آنچه بعضی به اشتباه تمدن عرب می نامند نامی است که به تمدن شرق همزمان با قرون وسطی اطلاق می شود. تمدن اسلامی تمدن یک ملت یا نژاد خاص نیست بلکه مقصود، تمدن ملتهای اسلامی است که عربها، ایرانیان، ترکها و دیگران را شامل می شود، که به وسیله دین رسمی یعنی اسلام و زبان علمی و ادبی یعنی عربی با یکدیگر متحد شدند.^۱

این تمدن به درجه ای از عظمت و کمال و پهنآوری است که آگاهی از همه جنبه های آن و احاطه بر همه انحاء آن کاری بس دشوار است. با پیدایش اسلام و انتشار سریع و گسترده آن در میان اقوام و ملل و جلب و جذب فرهنگ های گوناگون بشری بنای مستحکم و عظیمی از فرهنگ و تمدن انسان پایه گذاری شد که در ایجاد آن ملل و نژادهای مختلفی سهمیم بودند. این ملل با ارزش ها و ملاک های نوین اسلامی موفق به ایجاد تمدنی شدند که بدان تمدن اسلامی گفته می شود.

تمدن اسلامی را از لحاظ تاریخی می توان به دو دوره تقسیم نمود؛ دوره اول از آغاز دعوت اسلامی و پیدایش اسلام در قرن هفتم میلادی آغاز شد و تا سقوط بغداد به دست هلاکو ادامه یافت. دوره دوم با پذیرش اسلام توسط مغولان و ایجاد حکومت هایی مانند صفوی و عثمانی تا اواسط قرن ۱۸ میلادی به طول انجامید. دوره اول را دوره پیدایش و دوره دوم را دوره اوج گیری و شکوفایی می نامند که هریک از این دوره ها نیز دارای -

۱ - بررسی مختصر فرهنگ و تمدن اسلامی، و.و. بار تولد، علی اکبر دیانت، تبریز: ابن سینا، ج اول ۱۳۳۷ ص ۷.

ویژگیهای خاصی هستند که آنها را از هم متمایز می نماید.
نسبت به دوره پیدایش باید گفت مطالعه در اطلس تاریخ اسلامی و چگونگی انتشار اسلام در جهان نشان می دهد که : اسلام در طول چند قرن بر بیشتر سرزمینهای آباد آن روز جهان مسلط شد و قسمت اعظم آسیا، آفریقا و قسمتی از اروپا را تحت سلطه و اقتدار خود درآورد.^۱

آندره میکل در مورد محدوده جغرافیایی تمدن اسلامی می نویسد:
«یک جغرافیدان عرب در قرون وسطی، روزی تصمیم می گیرد که تعریف مناسبی از سرزمینهای اسلامی در اطراف دو بیابان ارائه دهد. از این رو سرزمینها را به دو منطقه ایالات عربی شامل عربستان و سوریه و ایالات غیر عربی شامل ایران آن روز تقسیم می کند. این تعریف، علیرغم نارساییهای آن یکی از تقسیمبندیهای اساسی سرزمینهای اسلامی است.»^۲

در مرکز از عراق، ایران، افغانستان و در شرق تا چین و هند امتداد داشت. از جانب شمال شرقی تا سمرقند و بخارا و خوارزم تا کوههای یکی از فرغانه را شامل می شد. این مناطق با فرهنگ و دین مشترکی به هم وصل شده بودند و ساکنان آن خود را عضو تمدن واحد و وسیعی می دانستند که مرکز روحانی و مذهبی آن مکه و مرکز فرهنگی و سیاسی اش بغداد بود.

این تمدن بیش از همه تمدن ها به علم و دانش اهمیت داده و کهن ترین دانشگاههای جهان را پدید آورده است و با تلفیق علوم گوناگون و افزودن بر آنها میراث عظیم و تکامل یافته ای را تحویل بشریت داد. چنین ویژگی هایی رفته رفته جامعه اسلامی را با همه فراز

۱ - علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج پنجم ۱۳۷۴، ص ۱۸.

۲ - اسلام و تمدن اسلامی، آندره میکل، ترجمه حسن فروغی، تهران، سمت، ج اول، ۱۳۸۱، ج ۱، صص ۲۰-۲۱.

و نشیب های سرزمینی و حاکمیتی به مرحله رشد و بالندگی رساند و سبب پدید آمدن دستاوردهای بیشمار تمدنی گشت. با این اوصاف می توان گفت منظور از تمدن اسلامی مجموعه افکار، عقاید، علوم، هنرها و صنایع است که با الهام از آموزه های دینی توسط مسلمین پدید آمده است.

عوامل شکوفایی تمدن اسلامی

در ادامه عوامل اساسی رشد و توسعه تمدن اسلامی مورد تبیین قرار می گیرد:

تمدن و فرهنگ اسلامی در طول حیات خود فراز و نشیبهایی داشته است؛ در یک دوره تاریخی -از آغاز و لااقل از پایان فتوح تا ظهور مغول- تمدن اسلامی را بالنده و با شکوه و در اوج می بینیم که این دوره را به حق دوره درخشان تمدن اسلامی می نامند، اما پس از آن تمدن اسلامی دچار افول می شویم و کم کم به حاشیه صحنه اجتماع می رود و چند دهه ای است که دوباره خیزش اسلامی، امیدبخش رجعت به آن عظمت و سرافرازی پیشین گشته است. کشف راز و رمز این تحولات در بررسی دقیق و عالمانه و ریشه یابی آنهاست.

در اینجا در پی شناسایی عوامل اساسی رشد و توسعه تمدن اسلامی در دوره درخشان آن هستیم عواملی که عظمت آفریدند و بدون شک افول تمدن بخاطر رخنه ای است که در آنها پدید آمد. البته در پیدایش و شکوفایی تمدن اسلامی علل و عوامل مختلفی نقش داشتند که پرداختن به همه آنها کاری بس دشوار و خارج از حوصله بحث ماست. لذا به برخی از مهم ترین آنها به صورت خلاصه اشاره می شود.

(۱) تشویق اسلام به علم: توصیه و تشویق مؤکدی که اسلام در توجه به علم و علما می کرد از اسباب عمده آشنایی مسلمین با فرهنگ و دانش انسانی و در نتیجه رشد و توسعه تمدن اسلامی گردید و این بود که مسلمین از همان آغاز تمام همت و سعیشان را

بر این گذاشتند که بر علوم و معارف جهان دست یابند. در واقع دعوت اسلام به ایمان همراه با آگاهی و شناخت بود.

هر مسلمانی مکلف بود که تحصیل ایمان کند و در این نظام کسب آگاهی و شناخت بر هر مسلمان به عنوان مقدمه ایمان شخصی و اجتهادی به اندازه توانایی عقلی او واجب است.

بی تردید قرآن و تعالیم پیامبر (ص) مهم‌ترین عامل توجه مسلمین به کسب علم و دانش بود. نخستین آیه‌ای که بر پیامبر نازل شد نیز تاکید بر همین امر داشت: «بخوان به نام پروردگارت.» اگر قرآن را به دقت بخوانیم برتری انسان نسبت به سایر مخلوقات را در علم و دانش او می‌داند. قرآن عامل بسیار موثری در بالا بردن فکر و اندیشه مسلمانان بود و ایشان را به تفکر و تحقیق سوق می‌داد. این بیانات موجب افزایش ارزش علم و تفکر در نزد عموم و در نتیجه جامعه نیز به سوی دانش و اندیشه و در نهایت پیشرفت و تعالی سوق یافت.

۲- برتری دانشمندان: اهمیتی که دین اسلام به عالمان و دانشمندان داده است بسیار روشن است. اگر آیات الهی و سخنان پیامبر و ائمه را در تکریم دانشمندان گرد آوریم صفحات چندین جلد کتاب را پر خواهد نمود. همین تعالیم والا بود که جامعه اسلامی را از بزرگ و کوچک به سوی طلب علم و آگاهی سوق داد. بعضی احادیث رسول اکرم (ص) که به اسناد مختلف نقل می‌شد حاکی از بزرگداشت علم و علماء بود. با توجه به این مطالب مسلمین دین، علم و اخلاق را ملاک بزرگی اشخاص می‌دانستند و در این فرایند رنگ و نژاد و ملیت نقشی نداشت.

۳) تساهل و تسامح فکری: یکی از علل سرعت پیشرفت مسلمین در علوم این بوده است که در اخذ علوم و فنون و صنایع و هنرها تعصب نمی‌ورزیدند و علم را در هر نقطه

و در دست هر کس می یافتند از آن بهره گیری می کردند و به اصطلاح امروز «روح تساهل» بر آنها حکمفرما بوده است.

چنانکه می دانیم در احادیث نبوی به این نکته توجه داده شده است که علم و حکمت را در هر کجا و در دست هر کس پیدا کردید آن را فرا گیرید. رسول اکرم (ص) فرمود: همانا دانش راستین، گمشده مؤمن است هر جا آن را بیابد خودش به آن سزاوارتر است. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه فرموده است: دانش راستین گمشده مؤمن است پس آن را فراگیر و بیاموز و لو از مردم منافق. این روایتها زمینه وسعت دید و بلند نظری و تعصب نداشتن مسلمین را در فراگرفتن علوم و معارف از غیر مسلمانان فراهم کرد و به اصطلاح در مسلمین روح تساهل و تسامح علمی و عدم تعصب در مقام فراگیری و علم آموزی به وجود آورد. و از این رو مسلمین اهمیت نمی دادند که علوم را از دست چه کسی می گیرند و به وسیله چه اشخاصی ترجمه و نقل می شود و به دست آنها می رسد. بلکه بر اساس آنچه از پیشوای عظیم الشان خود آموخته بودند، خود را به دلیل اینکه اهل ایمانند صاحب و وارث اصلی حکمت‌های جهان می دانستند... معتقد شده بودند که علم و ایمان نباید از یکدیگر جدا، زیست کنند.

پرفسور ارنست کونل آلمانی، استاد هنر اسلامی در دانشگاه برلین در سالهای ۱۹۶۴ - ۱۹۳۵ در مقدمه کتاب هنر اسلامی می گوید: اشتراک در معتقدات دینی در اینجا تاثیر قویتر از آنچه در دنیای مسیحیت وجود دارد بر فعالیتهای فرهنگی ملل مختلف داشته است. اشتراک در مذهب باعث شده تا بر روی اختلافات نژادی و سنن باستانی ملتها «پل بسته و از فراز آن نه تنها علائق معنوی بلکه حتی آداب و رسوم کشورهای گوناگون را به طرز حیرت انگیزی در جهت روشن و مشخصی هدایت نماید، چیزی که بیش از همه در این فعل و انفعال جهت ایجاد وحدت و پاسخ به جمیع مسائل زندگی قاطعیت داشت -

قرآن بود...»^۱

شهید مرتضی مطهری در کتاب ارزشمند خدمات متقابل اسلام و ایران، بعد از نقل این فراز از نوشته پرفسور ارنست کونل، آن را تحسین می کند و می گوید: «...نکته جالب در بیان این دانشمند اینست که می گوید مسلمانان از نژادهای مختلف بر روی اختلافات نژادی خود پل بسته بودند. یعنی اسلام برای اولین بار توانست کلیتی و وحدتی سیاسی و اجتماعی بر اساس عقیده و مرام و مسلک به وجود آورد، و همین جهت تسهیلات زیادی از لحاظ ایجاد تمدنی عظیم و وسیع به وجود آورد.»^۲

۴- شوق، شور و اراده: غیر از موارد مذکور و عوامل تحت تاثیر آنها، اراده و شور و شوق زیادی نیز برای کسب علم و دستیابی به پیشرفت ایجاد شد. گوستاولوبن وزیر سابق فرانسه در کتاب «تاریخ تمدن اسلامی» در این باره می نویسد: جدیتی که مسلمانان در فراگرفتن علوم از خود نشان دادند، حقیقتاً حیرت انگیز است. آنها هر وقت شهری را می گرفتند اولین اقدامشان بنای مسجد و آموزشگاه بوده است.

۵- نقش حکومت های اسلامی: امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) ضمن بیان یک رشته سخنان پرارزش، توسعه علم و دانش و گسترش و بسط فرهنگ را از وظایف حکومت اسلامی دانسته می فرماید: «ای مردم من بر شما حقی دارم و شما نیز بر من حقی، اما حق شما بر من این است که همواره شما را اندرز و نصیحت کنم و خیرخواهتان باشم و سرمایه های مالی و حقوقی تان را زیادتیر کنم و برای آنکه در جهل و نادانی نمانید و در مقام عمل خوشرفتار و مودب باشید نسبت به آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت شما قیام کنم.»^۳

۱ - ارنست کونل، هنر اسلامی، ترجمه مهندس هوشنگ طاهری، ص ۶

۲ - خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۹، ص ۱۵۲.

۳ - نهج البلاغه، خطبه ۳۴

حکومت‌های اسلامی به دلایل مختلف علاقه‌مند بودند امور رعایا را در مسیر طبیعی و صحیح قرار دهند. لذا تا حدود زیادی امور تعلیمات را به دست گرفتند. فرزندان اقشار مختلف در مقابل مبلغی اندک در مدارس مشغول تحصیل بودند. اکثر معلمین توسط حکام به کار گماشته می‌شدند و در برخی موارد آموزش رایگان بود. رقابت حکام در حمایت و جذب علما نیز در بالا بردن علم و دانش نقش زیادی داشت.

۶- ایجاد مدارس و دانشگاه‌ها: به تدریج که جامعه اسلامی جلوتر می‌رفت نیاز به موسسات تعلیمی در آن بیشتر احساس می‌شد. مساجد و مکتب‌ها نخستین محل تعلیم و تربیت بودند. تشکیل دارالعلم‌ها و در مرحله بعد بیت‌الحکمه و در کنار آن کتابخانه‌ها و رصدخانه‌ها نقش عمده‌ای در شکوفایی تمدن مسلمانان داشت. این روند با تاسیس جامع‌الازهر و نظامیه‌ها به اوج خود رسید. غیر از موارد یادشده علل دیگری مانند ممنوع بودن احتکار علم و دانش، قائل نبودن زمان خاص برای کسب علم، کسب علم از هر کس که باشد و لو غیر مسلمان، نیز در سیر و پیشرفت مسلمین موثر بوده است.

نهاد‌های سیاسی، اجتماعی و علمی تمدن اسلامی

برای شناخت تمدن اسلامی بایستی با نهادهای تشکیل دهنده آن و وظایف هر کدام آشنا شویم. از این رو به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌کنیم. البته باید توجه داشت که در شمارش این نهادها بیشتر نگاه نویسنده به نهادهایی است که در ابتدای پیدایی تمدن اسلامی شکل گرفت که طبیعتاً بسیاری از آنها در مراحل بعدی و بخصوص اوج و شکوفایی تمدن نیز نقش بسزایی داشتند.

۱- حکومت اسلامی: مهم‌ترین نهاد در تمدن اسلامی نهاد حکومت است. با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه اولین نهاد تمدن اسلامی نیز شکل گرفت. البته این دولت نوپا که تحت اداره مستقیم پیامبر بود بیشتر به یک دولت‌شهر ابتدایی شبیه می‌باشد. زیرا هنوز

سازمانهای اداره کننده‌ای تشکیل نشده بود، ولی سنگ بنای کلیه نهادهای اعصار بعدی ریشه در این مرحله دارد. هر چه سرزمین‌های اسلامی گسترش می‌یافت، احتیاجات جدید، ایجاد موسسات و دیوانهای خاصی را موجب می‌شد و سبب تکمیل این نهادها مطابق نیازهای زمان می‌شد؛ ولی پایه و شالوده تمام آنها همان اساسی بود که پیشوای بزرگ اسلام با وحی الهی بنا کرده بود. گسترش اسلام به خارج از مرزهای شبه جزیره عربستان لزوم اداره این سرزمین‌ها و شهرهای بزرگ و ساکنان آنها موجب شد تا دستگاه‌های مختلف اداری به نام دیوان به وجود آید. این دیوان‌ها بسته به نوع فعالیت، نام‌های مختلفی به خود گرفت:

۲- **دیوان خراج یا استیفا:** یکی از اولین و در عین حال مهم‌ترین دیوان‌های تشکیل شده دیوان خراج یا استیفا بوده است. وظیفه این دیوان آنگونه که از نامش مشخص است سرپرستی امور مالی سرزمین‌های اسلامی بود. ثبت دارایی سرزمین‌های اسلامی، گردآوری خراج، تقسیم بیت‌المال و رتبه‌بندی مسلمانان جهت دریافت سهم خود از بیت‌المال مهم‌ترین وظیفه این دیوان بود. این دیوان که در سرزمین‌های اسلامی حضور فعالی داشت در اعصار بعدی گسترش بیشتری یافت و فعالیت و وظایف آن نیز پیچیده‌تر شد. محاسبه عایدات عمومی، تنظیم و برآورد هزینه‌ها، و اعزام متولیان مالیاتی به نقاط مختلف از وظایف این دیوان به شمار می‌رفت.

دیوان برید: این دیوان برای خبررسانی، انتقال فرامین و اخبار از اطراف به مرکز و بالعکس فعالیت می‌نمود ولی کم‌کم تبدیل به مهم‌ترین سازمان امنیتی سرزمین‌های اسلامی شد و به تدریج وظیفه جاسوسی نیز بر آن اضافه شد. مسئول این دیوان که صاحب برید نامیده می‌شد یکی از ارکان مهم حکومت به شمار می‌رفت. در امپراطوری اسلامی نیز به تقلید از تمدن‌های دیگر و برای تسریع امر اطلاع‌رسانی به توسعه راه‌ها و کاروانسراها توجه خاصی

به عمل آمد. در این کاروانسراها و ایستگاه‌ها همیشه تعدادی اسب تازه‌نفس وجود داشت که در آنها اقدام به تعویض اسب می‌نمودند.

۳- **دیوان انشاء یا رسائل:** از نوشته‌های تاریخی چنین به نظر می‌رسد که این دیوان در عصر پیامبر شکل گرفته است زیرا آن حضرت پیوسته با سران قبایل و سرزمین‌های همسایه مکاتبه می‌نمود، اما به مرور زمان وظایف این دیوان نیز گسترش یافت. مهم‌ترین وظیفه این دیوان تنظیم و ارسال نامه‌ها و فرامین خلفا و حکام به سراسر قلمرو اسلام بود.

۴- **دیوان جیش یا جند:** با وحدت شبه جزیره عربستان دولت مدینه صاحب نیروی نظامی شد که تا آن روز در عربستان تشکیل نشده بود. لذا در زمان خلیفه دوم به تشکیل آن به مقیاس کوچکی اقدام شد. وظیفه این دیوان در آغاز تاسیس، سرشماری و تهیه اسامی شرکت کنندگان در جنگ‌های صدر اسلام بود تا سهم هر یک به میزان شرکت در آنها محاسبه شود. به مرور زمان وظیفه این دیوان گسترش یافت و سرپرستی نیروهای نظامی و تهیه آمار جنگاوران و تهیه سلاح و لوازم نبرد و همچنین پرداخت حقوق نظامیان بر عهده این دیوان نهاده شد. در منابع سرپرست این دیوان را ناظرالجیش نوشته‌اند. این دیوان بعدها تبدیل به «دیوان عرض» شد.

۵- **دیوان بیت‌المال:** سابقه تشکیل بیت‌المال به صورت یک دیوان به عصر خلیفه دوم بازمی‌گردد. در این دوره قسمتی از مسجد پیامبر (ص) را به محل نگهداری بیت‌المال اختصاص دادند و عده‌ای را برای نگهداری آن به کار گرفتند. به مرور زمان یکی از مهم‌ترین نهادهای مالی حکومت از دل آن بیرون آمد. این دیوان درآمدها و مصارف معینی داشت. درآمدهای آن از محل «فیء» «غنائم» و صدقات فراهم می‌شد و صرف تهیه وسایل مورد نیاز مردم و بالا بردن سطح زندگی مسلمین و نیز جهت پرداختن حقوق مجاهدان، تهیه اسلحه و آزادی اسیران و غیره می‌گردید.

۶- **دیوان مظالم:** یکی از دیوان‌های بزرگ اسلامی که می‌توان آن را با دادگستری امروز مقایسه نمود، دیوان مظالم است. این دیوان وظیفه رسیدگی به شکایات و اختلافات مردم را به عهده داشت. کار اداره این دیوان بر عهده قاضی‌القضات بوده است. منصب قضاوت لقب مخصوص کسانی بود که واجد خصائص برجسته و صفات عالی بودند. این قضات وظیفه اداره محاکم را به عهده داشتند.

۷- **اداره حسبه:** نهاد دیگری که نقش مهمی در کنترل اوضاع شهرها داشت و بر روی فعالیت‌های افراد در جامعه و به ویژه اصناف و بازار و جلوگیری از اعمال منافی عفت نظارت داشت حسبه نامیده می‌شد. مسئول اداره حسبه را «محتسب» می‌نامیدند که بایستی دارای شرایط ویژه‌ای بود. وظایف محتسب عبارت بود از ۱- نظارت بر بازارها و حرفه‌ها ۲- نظارت بر اخلاق عمومی جامعه ۳- نظارت بر قیمت‌ها و ترازها ۴- نظارت بر اجرای عبادات مردم ۵- نظارت بر راه‌ها و ساختمان‌ها ۶- وظایف قضایی محدود مانند بررسی کم‌فروشی و حيله در فروش ۷- وظایف موردی و متفرقه. محتسب تنها وظیفه نظارتی داشت و نمی‌توانست خطاکاران را تنبیه کند.

۸- **مسجد:** مسجد به عنوان محل تجمع و عبادت نقش خاصی را در عصر نبوی به عهده داشت و علاوه بر مرکزیت اداری سیاسی، محل علم و آموزش و به منزله محلی برای وعظ و ارشاد و حل و فصل اختلافات مسلمین و نخستین مرکز تعلیم به شمار می‌رفت. در سال‌های آغاز قرن دوم تحولی جدید در آن به وجود آمد و نقش عمده‌ای در زمینه آموزشی و علمی به عهده گرفت که نتیجه آرامش بعد از عصر فتوحات بود. شکوفایی مساجد تا پایان سده سوم هجری ادامه داشت ولی بایستی یادآوری نمود که در همه مساجد به امر آموزش پرداخته نمی‌شد و این امر منحصر و محدود به دسته‌ای مساجد

بود که به خاطر شرایط محلی، فرهنگی و مذهبی و برخی عوامل دیگر بر سایر مساجد برتری داشتند و نقش نوعی دانشگاه عمومی را عهده‌دار بودند.

۹- مراکز علمی: غیر از نهادهای سیاسی، اجتماعی نهاد مهم‌تری وجود داشت که نقش اصلی را در گسترش و استحکام تمدن اسلامی به عهده داشت. نهادهای علمی از مراکز مختلفی تشکیل شده بود که در ادامه به چند نمونه از آن به اختصار پرداخته می‌شود. نخستین مرکز رسمی جهت گسترش علوم و فنون، بیت الحکمه نام داشت که در بغداد عصر عباسی تاسیس شد. اساس آن از کتابخانه‌ای کوچک پایه‌ریزی شده بود و در زمان مامون توسعه یافت.

از دیگر مراکز علمی دارالعلم‌ها بودند که در شهرهای مختلف دنیای اسلام وجود داشتند. مکتب نیز از محل‌های آموزش بود که در نقاط مختلف مخصوصاً در مساجد وجود داشت و توسط مکتبداران اداره می‌شد. همچنین مدارس نیز که نخستین آنها توسط ناصر کبیر در آمل ایجاد شد در گسترش علوم نقش داشتند.

مشهورترین و مهم‌ترین مرکز علمی که در مقابل الازهر قاهره قرار گرفت مدارس نظامیه بودند که به سعی خواجه نظام‌الملک، ابتدا در شهرهای بغداد و نیشابور ایجاد شدند. اکثر اساتید این دانشگاه‌ها مانند ابواسحاق شیرازی، غزالی، عمر خیام و... از افراد بنام زمان خود بودند. از مراکز دیگر آموزشی در جهان اسلام بیمارستان‌ها و دانشکده‌های پزشکی را می‌توان نام برد. این مراکز غیر از درمان بیماران مرکز تحقیق و مطالعه نیز بود و کتابخانه‌های تخصصی در زمینه‌های مورد نیاز داشتند. غیر از این موارد خانقاه‌ها و رصدخانه‌ها نیز محل انتشار علم در تمدن اسلامی بودند.

منابع و مواخذ:

- ۱- علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی، بی جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ج پنجم ۱۳۷۴.
- ۲- مریم داودی، آشنایی با شکل‌گیری تمدن اسلامی، تهران، پاییز ۸۷.
- ۳- علی جدیدبناب، عوامل شکوفایی تمدن اسلامی، سایت سازمان تبلیغات اسلامی
- ۴- تمدن اسلامی در یک نگاه، گرد آوری: گروه دین و اندیشه سایت تبیان زنجان



مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

اگر ما بیدار باشیم، غفلت و یا اشتباهی نکنیم، دشمن نمی تواند کاری بکند.
امروز روز بیداری دهنهاست.
امروز کشور و ملت احتیاج دارد به این که مردم، تیزبین، هوشیار، بیدار و
دشمن شناس باشند؛ بفهمند دشمن چه می کند.



سازمان بسیج مستضعفین
معاونت تربیت و آموزش

